



فلسفه ی تربیت معلم و اقدام پژوهی

نام نویسنده مقاله: ولی اله اسلامی

vali31@gmail.com

هر نهاد و جامعه ای که در جایگاه و محلی که به وجود می آید؛ برای ادامه ی حیات و سرزندگی خود نیازهای مادی و معنوی در خود حس می نماید. در تاریخ گذشته و آینده، جامعه ای را نمی یابیم بدون فراهم کردن نیازهای خود، توانایی زندگی را داشته باشد. حال برای این که یک جامعه به خوشبختی لازم برسد؛ به دانش، عدالت، اقتصاد، هنر، ادبیات، تمدن و سایر علوم نیازمند است. پس راه رسیدن به خوشبختی، دانایی و دستاورد های مادی است. فرق میان انسان و حیوان در دانستن و ندانستن است؛ چه رنج بزرگی است که چیزی را بدانیم لیکن خود را به نادانی بزنیم یا عوامل محیطی و غیر طبیعی مانند ترس، شرم، زورور ما را در مرداب حوادث ناخواسته گرفتار نماید و ما در طلم حیرت دیو سیرتان دست و پا بزنیم و برای رسیدن به یک جامعه ی آرمانی، خاموش مانده و آن را سکوت مقدس بدانیم. هر جامعه ای برای رسیدن به اهداف ارزشمند خود و دانایی کارهای را باید انجام دهد و در انتظار آن نباشد که رهایی دهنده ای خارج از مجموعه خویش بیاید و وی را نجات دهد. چنین انتظاری هولناک تر و سوزاننده تر از آن است که اجازه ندهد؛ ساکنان آن سرزمین فریاد های درد ناک خویش را لمس نمایند. زیرا انسان تازمانی که عضوی از بدنش خراش بر ندارد در اندیشه ی ساختن ضمادی بر نمی آید تا زخم را التیام دهد. همه ی جامعه ها به این اصل اعتقاد دارند بدون راهنما و دانش نمی توانند به سر منزل مقصود که همان خوشبختی، آرامش لذت بردن از زنده ماندن، احساس آزادی و مهربانی، احترام متقابل، عدالت اجتماعی به معنای واقعی، آشتی و صلح و صفا، دوری از کینه و بغض و دشمنی است؛ برسند. همه ی ما جامعه هایی را می شناسیم که به طور معیوب به حیات خود ادامه می دهند و اجتماعات بشری را به فروپاشی و از هم گسیختگی، نزدیک می نمایند. آیا اینان در فلسفه وجودی خویش، دچار رکود و ایستایی نشده اند؟ به طور یقین نمی توان به این سؤال جواب منفی داد و از راز آفرینش انسان بی خبر بود و حد اقل به این استدلال پی نبرد که خداوند ادیان الهی خویش را، برای رو در رو قرار دادن در مقابل هم؛ رقابت و جدایی، ایجاد نکرده است.

کلید واژه: خود خواهی ، جامعه ، دانایی، الگو، ارزشمندی زمان ، آرمان خواهی

مصدق همین

موضوع است که مولوی می فرماید: «موسی و فرعون ، معنی را رهی ظاهر ، آن ره دارد و این بی رهی»^۱

هم موسی به حق ایمان داشت و هم فرعون ، منتهی اختلاف آن ها در صورت بود نه در واقع .

حضرت موسی در متابعت از اصول خلقت و قوانین حاکم بر امور، ره می پوید و فرعون در ورطه خود خواهی و شهرت باقی مانده . یکی از

گرفتاری های انسان که وی را از رسیدن به سعادت دور می نماید همین خودبینی ، مقام خواهی ، آزمندی و سقوط اخلاقی است . «روزی

موسی پیش حق نالان شده نیم شب فرعون گریان آمده»^۲

هنگام روز ، حضرت موسی در محضر حق می نالید؛ در نیمه شب فرعون نیز با حالت گریان رو به درگاه حق چنین می گفت .

زاری موسی در روز و یا آشکارا از آن جهت است که در بند ناموس و شهرت نبود و از امر ایجادی و ایجابی فرمان می برد و گریه ی

فرعون در شب و یا پنهانی به مناسبت آن است که مدعی خدایی و در بند ننگ و نام بود و تنها از امر ایجادی اطاعت می کرد .

صوفیان ایمان را به دو قسم تقسیم کرده اند: یکی «ایمان ایجادی و دیگری ایجابی»^۳ . منظور از ایمان ایجادی همان اتقیاد و متابعت

از اصول خلقت و قوانین حاکم بر امور تکوینی است که بر همه ی موجودات حکم می راند و منظور از ایمان ایجابی ، ایمان شرعی

است . بنا براین رهروی فرعون ایجادی و رهروی موسی ایجابی است .

ورنه غل باشد که گوید من منم

«کین چه غل است ای خدا بر گردنم

دیگران تو ز خود شناخته

ای تو در پیکار خود را باخته

که منم این والله آن تو نیستی»^۴

تو به هر صورت که آبی بیستی



۱- مثنوی معنوی ص (۶۴۱) . دفتر اول شرح کریم زمانی ۲- مثنوی معنوی ص(۶۴۰)۳- همان ص ۴- غل کنایه از خود خواهی

بر همین استدلال است که سقراط (۴۶۹-۳۹۹ ق.م) احساس می کرد جامعه آتن مریض است و مرض آن جهل می باشد و او دانایی را بزرگترین فضیلت می دانسته است. و بر اساس همین ایده ناصر خسرو قبادیانی علاوه بر سفر نامه در شعرهای خود جنبه های اجتماعی و سیاسی را مهمی مطرح ساخته و به مداحان و تملق گویان شاهان ستمگر و فارغ از مشکلات جامعه ناخته است. چنان که می فرماید:

« پندم چه دهی؟ نخست خود را
محکم کمری زپند بر بند ۵
چون خود نکنی چنان که گویی
پند تو بود دروغ و ترفند
از مرد خرد پیرس از پیرا
جز تو به جهان خرد و ران اند »

یکی از مسائلی که ما را به رفتار اجتماعی خود رهنمون می سازد شناخت جامعه ای است که در آن زندگی را سپری می نماییم.

۱- جامعه زیستی که عامل غریزه در تکامل آن نقش بسزایی دارد. ۲- جامعه فرهنگی یا جامعه ی انسانی که عامل آگاهی و اراده و فرهنگ و توانایی عقلانی در آن دخالت دارد. ارکان اساسی انسان فرهنگی عبارتند از عقل، علم، فلسفه، ایمان، عرفان، دین، مذهب و اراده و اخلاق. جوامعی که مراحل زیستی و عقلانی خود را به تکامل نرساند؛ متمدن به شمار نمی آید. و از دیدگاه جامعه شناسان جامعه از گروه هایی تشکیل می گردد مانند «گروه های مرجع، بسته، ارادی و حرفه ای»^۶. و ملاک های سنجش و تعیین پایگاه اجتماعی افراد نیز به پیشینه ی خانوادگی، سطح تحصیلات، میزان در آمد، نوع شغل و وابستگی حزبی و اعمال صالح و غیر صالحی که انجام می دهند؛ بستگی دارد. طرز تفکری که یک جامعه در باره جهان هستی و انسان دارد زیرساز نظام های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آن جامعه است که جهان بینی نامیده می شود. و در پرتو جهان بینی است که هر جامعه راه و روش های عملی، هدف ها و وسیله ها و مسئولیت ها، حقوق ها و بایدها و نبایدها را تعیین می کند که مکتب و ایدئولوژی آن جامعه را تشکیل می دهد. در یک جامعه متکامل دین به معنای مترقی و نه خرافه؛ عدالت اجتماعی، نه به معنی ضایع و تباہ کردن دستاوردهای مادی و معنوی دیگران؛ رسیدن به مقامات حکومتی نه با عوام فریبی و زورمندی و زورمندی؛ رسیدن به بالاترین سطح علمی با اراده و تلاش را؛ فلسفه وجودی انسان و تشکیل جامعه آرمان گرا می نامند. یکی از نهادهای اجتماعی و آرمان خواه در جامعه ما فلسفه وجودی تربیت معلم می باشد. چرا جامعه ی ما مانند هر جامعه ی دیگری نیاز به معلم و آموزش دارد؟ برای ایجاد نظام های اقتصادی مبتنی بر ارزش های اخلاقی و دینی و سیر تکامل جهان بینی ارزشی و مهمتر از همه برقراری عدالت اجتماعی و ایجاد فرهنگی عمومی و تحکیم مکتب توحید و توجه به نیازهای مادی و معنوی انسان؛ تاکید بر مسئولیت انسان، برای ادامه کمال عقلی و رسیدن به بی نهایت دانایی به معلم و تربیت معلم نیاز داریم.

برای رسیدن به این امر مهم به تغییراتی در مجموعه ها و مدل های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی نیاز داریم که عبارتند از :

- ۱- ایجاد الگوهای تربیتی مبتنی بر روان شناسی تربیتی نو ۲- شناختن و یادگیری عرفان نو آموزه های جدید اخلاقی
- و مقایسه آن با عرفان سنتی و متعادل نمودن این بینش با روش های دیگر ۳- سرمایه گذاری در آموزش و پرورش بایک تشکل
- جمعی و مردمی در خدمت مردم و نه انحصاری نمودن آن ۴- استفاده از تجربیات گذشته برای ساختن آینده ۵- باور ها و پندارهای
- قبلی ۶- مقررات آموزشی تحت هیچ شرایطی به فراموشی و ایستایی و رکود منجر نگردد. ۷- دوری از مبالغه گویی ۸- تصمیم گیری
- های موفق ۹- احترام به افکار عمومی و دوری از کج روی ها ۱۰- ایجاد انگیزه ی مثبت و بیان اندیشه های اقتصادی و یادگیری
- تکنولوژی کاربردی و صنعتی و آزمایشگاهی در سطح کلان آموزشی؛ از مدل ها و الگوهایی است که معلم ما را امیدوار و جامعه را
- از انحطاط و اضمحلال دور می می نماید .

آنچه در یک فلسفه ی آموزشی بسیار اهمیت پیدا می کند ارزشمندی زمان و ایجاد نشاط در کلاس است . استفاده مطلوب از زمان آموزشی: در جهان کنونی هیچ گنجی با ارزش تر از زمان نیست و نمی شود آن را به هیچ قیمتی خرید . تنها کاری که می توان برای بهره برداری از این منبع با ارزش انجام داد مدیریت آن است . بدون شک هیچ برنامه ریزی و هیچ فعالیتی بدون تعیین اهداف بلند مدت و کوتاه مدت فایده ای ندارد و ما باید برای اهداف یک هفته، ۱ ساله، ۵ساله و ۱۰ساله خود ، زمان استفاده از آن را تنظیم نماییم تا به اهداف نهایی آن دست یابیم . ما باید برای استفاده بهینه از زمان به ۵ راهکار توجه نموده و آن را عملی نماییم ۱- برنامه داشته باشیم در صورتی که برنامه داشته باشیم؛ سریع تر می توانیم طرح ها و ایده های خود را به اتمام برسانیم . «یکی از بهترین روش ها این است که یک فهرستی از کارهایی که باید انجام دهیم تهیه کنیم». این مساله به ما کمک می کند تا تمرکز داشته و از مسیر منحرف نشویم در عین حال آنچه که اهمیت دارد این است که مطمئن شویم لیستی که تهیه می کنیم واقع بینانه بوده و در مدت زمانی که در اختیار داریم؛ قابل انجام است . اس جی اسکات نویسنده ی احیای دوباره فهرست وظایف راهنمای ساده ی انجام کارهای مهم می گوید «حقیقت این است که هرکس می تواند فهرستی تهیه کند اما قسمت سخت قضیه تهیه ی فهرستی قابل اجرا و متناسب با زندگی شماست» ۲- مصمم باشیم وقتی تصمیم گرفتیم باید قاطعانه آن را انجام دهیم . این مساله به ویژه وقتی مدیریت یک تیم را بر عهده داریم اهمیت بیشتری دارد . عدم قاطعیت و نداشتن عزم راسخ نه تنها ما را به اهداف نمی رساند بلکه سبب خواهد شد اعضای تیم ، نسبت به توانایی رهبری ما اعتماد ننمایند . یکی از مهم ترین مهارت هایی که باید بیاموزیم تصمیم گیری صحیح و اعتماد به نفس است .

۳- برای خوددیگران حد و مرز تعیین کنیم تادیگران هم متوجه شوند زمان ما با ارزش است. ۴- اول وظایف سخت و ناخوشایند را انجام دهیم در این صورت زمان و نیروی بیشتری خواهیم داشت. ۵- از مسائلی که تمرکز ما را به هم می زنند خوداری نماییم.

۶- از همکاری که مدام بیخ گوش ما حرف می زنند و نمی گذارند کارمان را با برنامه ی منسجم جلو ببریم فاصله زمانی و مکانی بگیریم. باید به او بگوییم الان نمی توانیم با او حرف بزنیم اگر باز هم متوجه منظور ما نشد؛ بهانه آورده و او را ترک نماییم.

باید بدانیم حرف زدن، مانع کار است. من برای این که یک روند ثابت آموزش را کنار بگذارم برنامه ی درسی جدیدی برای دانش پژوهان تدوین نمودم. زمان آموزش خود را به سه، نیم ساعت تقسیم نموده، مطالب و کارهای سخت و دشوار آموزشی را در نیم ساعت اول انجام می دادم. به طور عملی آنرا در کلاس اجرا نموده، در نیم ساعت دوم به تجزیه و تحلیل داده ها و در نیم ساعت سوم با توجه به کاهش انرژی آنان به نتیجه گیری و ارزشیابی بدون دغدغه؛ پرداختم و برای برگزاری آزمون زمان بیشتری برای تمرین آنچه به آن ها آموخته بودم اختصاص می دادم و زمان ارزشیابی را برای چندین بار به تعویق می و انداختم تمام برنامه های ارزشیابی را آزادانه و با هم فکری و هم اندیشی آن ها برگزار نموده و خونسردی کامل خود را حفظ می کردم. با این روش جدید به نتایج بسیار مطلوبی دست پیدا کرده و راز موفقیت را برای اولین بار کشف نمودم. با این روش جدید دیگر وقت اضافه ای در کلاس نداشتم و مهم تر از هر ایده ای، به رفتار های ناهنجار دانش پژوهان با خنده رویی و شکیبایی می نگریدم و هرگز برای ادامه ی تدریس اصرار نوردیدم؛ گاهی خواهان ترک دانش پژوهان و واگذاری تدریس به شخص دیگری که وی را تواناتر از خود می دانستم؛ محول می می نمودم. با ادامه چنین کاری به موفقیت آمیز بودن روشم دست یافتیم. اما من با موانع بسیار ناامید کننده ای روبه رو بودم که عبارت بودند از: ۱- دانش پژوهان ناهنجار ۲- همکاری که به دنبال آن بودند که راز موفقیت را بنا بر نگرش آنان به سختی می توان به دست آورد ۳- مدیران، که همیشه به دنبال نقطه ضعفی از من بودند ۴- نا آگاهی و بسیاری از پدران و مادرانی که من وقت بسیار مناسبی نداشتم تا اندیشه های خود را با آنها در میان بگذارم ۵- نظام آموزشی نا کارآمد که با در صد های قبولی کاذب، افکار عمومی را، راضی نموده و دستاورد دیگری برای آنها مد نظر نیست. به هر حال من به عنوان مدیر تیم سعی نمودم مقررات درست آموزشی را اجرا و برای رسیدن به هدف های متعالی خود باید، هزینه معنوی و زمانی بسیاری را از دست می دادم؛ آنچه مرا در رسیدن به هدفم امیدوار می نماید؛ وطن دوستی، رسیدن به یک بینش ماندگار، پرورش افراد با انضباط و وفا دار ی به معلمان پیش از خودم هست.

منابع : ۱- مثنوی معنوی شرح کریم زمانی

۲- سی قصیده نا صر خسرو شرح دکتر علی اصغر حلبی

۳- نظریه های اس جی اسکات ترجمه : امیر حسین میرزانیان

۴- جامعه شناسی سال چهارم نظام قدیم غلامعلی حداد عادل و علی محمد حاضری



که در لانه ماکیان برده دست

که اشکم چون خون از رگ آن دم جهید

وطن داری آموز از ما کیان «

هنوزم زخردی به خاطر در است

به منقارم آن سان به سختی گزید

پدر خنده بر گریه ام زد که «هان!

علامه دهخدا

چکیده مقاله و کلید واژه به زبان انگلیسی در صفحه ۷

Philosophy teacher action research

Existentiality of their own material needs and speech institution and society in place and where there is, for the survival ritual in the sense.

In the past and the future, we find a society without providing their needs, have the ability to live in order for a society to be necessary. Now happiness, knowledge, justice, economy, art, literature, science, culture and other needs.

after the difference between man and animal in knowing. In order to achieve happiness, wisdom is a material. The great suffering is something to know, but to ignorance we or environmental factors and non-natural fear, shame, drive us in the swamps of adverse events. If we are amazed, our hands and feet go and to achieve an ideal society, to silence it left off sanctify.

Any society to achieve its worthy goals. We work to do and it is not expected to set out their savior to come and save him. We expect more horrifying than it is to allow the inhabitants of the land do not touch their painful cries.

For as long as man does not have a scratch on the idea of making part of the body can do poultice to heal. All of society is the principle without help and knowledge can not be the destiny that same happiness, peace, enjoy survive, feel free. Mutual respect, social justice in the true sense, reconciliation and peace. Away from hatred. Enmity is reached.

We all know that failing societies continue to exist, and human communities to collapse. Failure, they close their philosophy. Does their existence, do not stay? Do not be negative to this question, and to the creation of human mystery of unity. At least this argument did not realize that their religions God, face to face to put in front of the competition. Not created.

Key word: selfishness, society, knowledge, pattern, precious time, idealism



v